School rules

Four parents compare their school rules with those of their children

A Simon

When I was at school – more years ago then I car to remember – far too much emphasis was placed on what we could and couldn't do, and sometimes it got in the way of learning. We had to wear our jacket and tie at all times, no matter what the temperature, and I remember sitting there in the height of summer, sweating profusely as I battled with algebra or struggled with French verb forms.

They didn't let us drink water in the classroom either. That would cause an outrage now. My daughter goes to the same school as I did, and we are asked to provide her with a refillable bottle, which she can take into the class with her. They've realized that water improves concentration, so pupils almost have to drink it now.

B Jenny

At my son David's school, rule number one of their two-page Mobile Phone policy states that pupils are strongly advised not to bring mobile phones to school; then there are sixteen more rules describing situations in which they can and cannot be used. It's very confusing – it would be much simpler just to ban them all together. That's what my old school would have done if mobile phones had been around then. Everything was black and white in those days, just lick our school tie.

And that's another thing – David doesn't have to wear a tie if he doesn't want to, even though it's part of the uniform. That's just silly. I almost wrote to school about it, but my son advised me against it. It seems that school rules are decided on jointly by students and teachers, and as a parent, I don't have any say in the matter.

ترجمه:

قوانین مدرسه

مقایسه دو پدر و مادر، بین قوانین مدرسه خود با قوانین مشابه برای فرزندانشان

الف سایمون

وقتی من در مدرسه بودم – آن مقدار سال گذشته که زمانش را به خاطر نمی آورم – تاکید زیادی به کارهایی که می توانستیم یا نمی توانستیم انجام دهیم می شد، و این مسئله گاهی در آموختن تداخل ایجاد می کرد. ما دائما باید کت و کروات به تن می داشتیم، بدون توجه به دمای هوا، من زمانی را به خاطر دارم که در اوج گرمای تابستان نشسته بودم و در حالی که به شدت عرق می کردم با جبر یا حالات افعال فرانسوی سر و کله می زدم.

آنها به ما اجازه نوشیدن آب در کلاس را هم نمی دادند. امروزه چنان اتفاقی باعث دعوا خواهد شد. دخترم هم به همان مدرسه ای می رود که من میرفتم؛ و از ما خواسته شده که یک بطری چند بار مصرف برای او فراهم کنیم که بتواند آن را با خود به داخل کلاس ببرد. آنها متوجه شده اند که آب باعث افزایش تمرکز می شود، پس امروزه دانش آموزان تقریبا *باید* آب بنوشند.

ب جنی

در مدرسه پسرم دیوید، اولین قانون از خط مشی دو صفحه ای تلفن همراه بیان می کند که دانش آموزان به شدت توصیه میشوند که تلفن همراه به مدرسه نیاورند. و پس از آن شانزده قانون دیگر وجود دارد که موقعیت هایی را توصیف می کند که می توانند یا نمی توانند از موبایل استفاده کنند. این خیلی گیج کننده است - اگر کلا ممنوع می شد بسیار راحت تر بود. این کاری است که مدرسه قدیمی من انجام می داد اگر موبایل ها آن زمان رایج بودند. آن روزها همه چیز درست مانند کروات های مدرسه مان سیاه سفید بود.

و این یک مسئله دیگر است – دیوید اگر دوست نداشته باشد مجبور به پوشیدن کروات نیست در حالی که کروات بخشی از یونیفرم است. این فقط احمقانه است. من تقریبا به مدرسه نامه ای در این باب نوشتم اما پسرم من را منصرف کرد. این طور که به نظر می رسد قوانین مدرسه با همکاری دانش آموزان و معلمان پایه گزاری میشوند. و به عنوان یک والد من هیچ حق اظهار نظری ندارم.